



نثر فارسی و گفتمان‌های معاصر

یک دوره‌بندی پیشنهادی برای نثر معاصر فارسی بر اساس تأثیرات تجدد

عبدالرسول شاکری^۱

چکیده

در این مقاله، به تحولات نثر فارسی در حدود یکصد سال اخیر پرداخته شده است. هدف اصلی ما در این مقاله، ارائه تاریخ مختصری از نثر معاصر فارسی، بر اساس مفهوم دوره‌بندی و بر اساس تأثیرات گفتمان‌های معاصر، از آغاز تا دهه نود خورشیدی بوده است. در این مقاله، در دوره‌بندی ارائه‌شده از نثر معاصر فارسی، به تحولات نثر فارسی در پیوند با ساخت اجتماعی و بحران‌های آن توجه شده است. بر این اساس نشان داده‌ایم که آشنایی با مدرنیته و گفتمان‌های مربوط به آن، زمینه‌ساز تحولات عمده در نثر فارسی بوده است و پیوند این تحولات با تحولات ساخت سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی به تشکیل دوره‌های مختلف (پنج دوره پیشنهادی) در تاریخ نثر فارسی انجامیده است. دوره‌هایی که برای نثر فارسی در این دوره بر شمرده‌ایم عبارت‌اند از: دوره مشروطه، دوره پهلوی اول، دوره پهلوی دوم، دوره انقلاب اسلامی و از دهه هفتاد تا کنون.

واژه‌های کلیدی: تاریخ نثر فارسی، دوره‌بندی، مدرنیته، گفتمان‌های معاصر

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، تهران، ایران
shakerirasoul@gmail.com

درآمد

پس از ورود اسلام به ایران، طی دو سده، عربی زبان رسمی و علمی ایرانیان بود. زبان فارسی کنونی را ایرانیان از سده سوم هجری به کار بردند و آن را با الفبای عربی نوشتند. این زبان دنباله فارسی میانه و فارسی میانه نیز ادامه فارسی باستان بود که در دوران پیش از اسلام رواج داشت (ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۵ و ۳۷). تغییر زبان فارسی میانه به فارسی دری و سپس تأثیراتی که از عربی پذیرفت به همراه تأثیرپذیری از فرهنگ غربی از طریق ترجمه متن‌های یونانی و لاتینی، تحولاتی عمده در زبان فارسی، به ویژه زبان علمی فارسی، ایجاد کرد. تحول عمده البته تسلط تدریجی فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی بر همه شئون جامعه ایرانی بوده که در زبان و نثر فارسی نیز نمود یافته است. غیر از این تحول عمده، نثر فارسی تا سده ششم هجری، نثری ساده بوده است؛ البته نظام ادبی و زبانی فارسی ساختاری تغییرناپذیر نبوده است. نثر فارسی از آغاز؛ یعنی نیمه دوم سده چهارم هجری (تاریخ مقدمه شاهنامه ابومنصوری) تا اواسط سده سیزدهم هجری دگرگونی‌هایی را پشت سر گذاشت؛ اما این دگرگونی‌ها با توجه به سرعت کند تحولات در سراسر دنیای پیشامدرن، اندک بوده است.

هدف

هدف ما در این مقاله، ارائه تاریخی خلاصه از نثر معاصر فارسی، بر اساس تأثیرات گفتمان‌های معاصر، از آغاز تا دهه نود خورشیدی بوده است. بر این اساس، با یک بررسی بسیار فشرده، بر اساس تغییرات الگوواره‌ای، یک دوره‌بندی پیشنهادی از نثر فارسی در دوره مورد نظر ارائه می‌کنیم.

اهمیت و محدوده پژوهش

می‌توان گفت که در سرتاسر دوران پیشامدرن، در تاریخ فرهنگ و ادب ایرانی، نثر در حاشیه نظم قرار داشته است؛ اما با تأثیرات تجدد، که تبلور سیاسی آن را در انقلاب مشروطه می‌توان دید، نثر به تدریج در جامعه ایرانی فراگیرتر شد و در انواع مختلفی از ارتباطات اجتماعی، جایگاهی نیرومندتر از نظم و شعر را به دست آورد. با توجه به اهمیت نثر در جامعه معاصر ایرانی، هر گونه تحلیلی در مورد آن در درک بیشتر ادبیات، جامعه، و فرهنگ کشورمان با اهمیت به نظر می‌رسد. در این پژوهش، دوره پیشامشروطه تا دهه نود خورشیدی به صورتی بسیار فشرده در کانون توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در نخستین نمونه‌های پژوهش‌های دانشگاهی، به ارتباط معاصر فارسی و تجدد اشاره شده است. این بخش از نوشتهٔ ملک‌الشعراى بهار، زیر عنوان «نثر فارسی به تقلید از اروپا»، در کتاب *سبک‌شناسی، تحولات نثر فارسی را در گفتمانی گسترده‌تر و در تقابل میان سنت و تجدد در جامعهٔ ایرانی در دورهٔ ناصری به‌خوبی بازنمایی می‌کند:*

پس از آمدن امیرکبیر، یکباره حزب قدیم با ریش و کلاه دراز و شال کمر و قبای سه‌چاک و کفش ساغری و موازنه و سجع و مراعات‌النظیر و کثرت مترادفات عربی و فارسی و انبوه شواهد و استدلالات، همه رو به قهقرا نهادند. ریش‌تراشی و سرداری و کلاه کوتاه و زلف یکدست و کفش ارسی و نثر ساده و مراسلات مختصر و زبان فرانسه و کتاب چاپی و روزنامه و عکاسی و خط نستعلیق خوانا و جمع و خرج مملکتی مطابق کتابچه و دستورالعمل و سرباز و مدرسهٔ دارالفنون و قراولخانه در محلات و غیره روی به اعتلا و ارتقا نهاد (۱۳۴۹: ۳۷۱-۳۷۰).

در ادامهٔ نقل قول یادشده، در بحث از ساده‌نویسان این دوره، به پیشینهٔ آشنایی این نویسندگان با تجدد و زبان فرانسه جا به جا اشاره شده است. ناتل خانلری در مقالهٔ بسیار مهم خود با عنوان «نثر فارسی در دورهٔ اخیر»، که در سال ۱۳۲۴ در نخستین کنگرهٔ کانون نویسندگان ایران **ارائه** کرد، بر ارتباط تحولات عمده در نثر فارسی با تحولات جامعهٔ ایرانی تأکید می‌کند: «تحولاتی که در ادبیات، خاصه نثر فارسی در طی یک قرن اخیر حاصل شده، نتیجهٔ تحولات عظیم اجتماعی این کشور است. جامعهٔ ایرانی در هیچ یک از ادوار تاریخی به این سرعت چنین تحولی نیافته بود» (۱۳۲۵: ۱۲۸). او سپس منشأ این تحولات را در پیدایش طبقه‌ای روشن‌فکر می‌داند که تحت تأثیر ارتباطات با فرهنگ اروپایی قرار داشتند. در همین مقاله به گسترده‌شدن دامنهٔ موضوعی و همچنین مخاطبان نثر فارسی اشاره می‌کند:

نثر فارسی در ادوار سابق برای بیان موضوع‌های محدودی از قبیل تاریخ و اخلاق و گاهی فلسفه و پند و بعضی از رشته‌های علوم به کار می‌رفت و در دورهٔ اخیر بود که دامنهٔ مقاصد نثر وسعت گرفت و مسائل سیاسی و اجتماعی و افسانه‌سرایی و علوم جدید و انتقادهای اجتماعی به صورت جد و هزل و تصریح و تعریض به میان آمد و روزنامه‌نویسی معمول شد و گروه خوانندگان به تدریج فراوان شدند (ناتل خانلری ۱۳۲۵: ۱۳۱).

در ادامهٔ مقاله با ایجاد پیوند میان نهضت فکری ایرانیان و تحولات نثر،

درباره دو عامل سفر ایرانیان به اروپا و نوشتن سفرنامه‌ها و نیز تأسیس روزنامه و رواج روزنامه‌نویسی، از عوامل تأثیر عظیم در تحولات نثر فارسی دانسته می‌شود. ترجمه، رمان‌نویسی، داستان کوتاه و «تئاتر» از جمله مواردی است که در این مقاله مفصل در پیوند با تحولات نثر معاصر فارسی در کانون توجه قرار گرفته است. در پژوهشی دیگر، آشنایی با اسلوب نگارش اروپایی، رواج روزنامه، سفرنامه، داستان، و نمایشنامه، به ویژه از طریق واردکردن زبان محاوره در نثر فارسی، از مهم‌ترین عوامل در ساده کردن نثر معاصر فارسی دانسته شده است (دولت‌آبادی ۱۳۳۳: ۱۱۵). پژوهشگر دیگری روایت خود را از تحولات نثر معاصر فارسی این‌گونه بیان می‌کند:

انقلاب مشروطیت آغاز شد؛ نطق‌ها و ایراد خطابه‌های ساده برملا گردید؛ روزنامه‌های پیاپی انتشار یافت؛ تأسیس مدارس جدید رونق گرفت؛ تحصیل زبان‌های اروپایی، داوطلبان بسیار حاصل کرد؛ آشنایی اهل فضل با ادب غربی بسیار شد؛ ادب جدید عربی هم که تغییر و تحول زودتر در آن آشکار گردیده بود، اثر خود را در میان عربی‌دانان کتاب‌خوان و روزنامه و مجله‌دوست باقی نهاد؛ در افکار و عقاید تحولی عظیم پدیدار شد؛ ادبیات از دربار و مجامع اشرافی و خصوصی به میان عامه راه جست؛ آزادی بیان و بنان همه را به تکاپو انداخت؛ بر شماره‌آوردن نویسندگان و شاعران ساده‌گوی عامه‌پسند افزوده شد...؛ در نتیجه این تحولات سریع و شگرف روش نویسندگی تغییر یافت؛ افکار تازه در نثر و نظم به میان آمد؛ سبک نگارش ساده و بی‌پیرایه شد (صفا ۱۳۳۸: ۱۰۴).

چنانکه می‌بینیم، در آثار پژوهشگران برجسته نثر فارسی تا اواخر دهه ۳۰، مهم‌ترین عامل تحولات نثر فارسی معاصر، گفتمان تجدد و پیامدهای آن بوده است؛ تا جایی که چنانکه در نقل قول صفا در عبارت «عربی جدید» دیده می‌شود، تأثیرپذیری نثر فارسی از زبان عربی نیز از جهت تأثیرات این زبان از تجدد، اهمیت یافته است.

در پژوهش‌های بعدی نیز همین موارد با جزئیات بیشتر و تفصیل به بحث گذاشته شده است؛ اما در این تحقیقات، عمدتاً تحولات نثر داستانی مورد توجه بوده است؛ برای نمونه، در کتاب *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی* (کامشاد ۱۳۸۵؛ تاریخ نخستین چاپ به زبان انگلیسی: ۱۹۶۶) با رویکردی تاریخی، تحولات نثر داستانی فارسی از اواخر دوره مشروطیت تا دهه چهل خورشیدی، در پیوند با شرایط جامعه مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب *نویسندگان پیشرو ایران* (سپانلو ۱۳۷۴) نیز، چنانکه نویسنده اشاره کرده است، از میان انواع نثر، تنها انواع ادبی آن، شامل رمان‌نویسی، قصه کوتاه، نمایشنامه‌نویسی و نقد ادبی، از مشروطیت تا سال ۱۳۵۰ در کانون بررسی‌های مربوط به نثر فارسی قرار گرفته است. در یکی از پژوهش‌های متأخر با

عنوان بنیادهای نثر معاصر فارسی (قبادی ۱۳۸۳)، کوشش شده است موارد مربوط به تحولات نثر فارسی در دوران معاصر با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد. در فصل نخست، در زمینه‌ای تاریخی، سرچشمه این تحولات به آشنایی‌ها و ارتباطات ایرانیان با جهان غرب از دوره صفویه تا دوره مشروطه پرداخته می‌شود. در این کتاب نیز چند عامل اثرگذار در تحولات نثر معاصر فارسی، شامل سفرنامه‌نویسی، مطبوعات، ترجمه، نمایشنامه‌نویسی، کتابچه و رساله‌نویسی و رمان‌نویسی (دوره آغازین)، در قالب پرداختن به مهم‌ترین نمونه‌ها، تا اوایل دوره پهلوی اول بررسی شده است. از معدود پژوهش‌هایی که در آن با جزئی‌نگری بیشتر به تحولات نثر فارسی پرداخته شده، مقاله «نثر رمانتیک فارسی در عصر مشروطه» است که تأثیرپذیری نثر معاصر فارسی را- تحت تأثیر ترجمه- از رمان‌های تاریخی و به طور مختصر قطعه ادبی و شعر منشور، مورد بررسی قرار داده است.

چنانکه در این مرور مختصر دیده می‌شود، تأثیر گفتمان‌های مربوط به تجدد در همه پژوهش‌های یادشده، در کانون توجه بوده است. دیگر اینکه در عمده بررسی‌ها، تأکید و توجه عمدتاً بر نثر ادبی متمرکز بوده است. سرانجام اینکه بازه این پژوهش‌ها به دوره نخستین تحولات نثر معاصر فارسی (نهایتاً تا سال‌های آغازین دوره پهلوی اول) محدود شده است. در پژوهش پیش رو خواهیم کوشید به گستره غیرادبی نثر فارسی نیز در حد ممکن توجه کنیم و تحولات نثر فارسی را با توجه بیشتر به تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی مورد بررسی قرار دهیم. همچنین بازه مورد بررسی را تا دوره حاضر گسترش خواهیم داد.

چهارچوب نظری و روش تحقیق

رویکرد نظری استفاده شده در این مقاله عمدتاً با تمرکز بر مفهوم دوره‌بندی شکل گرفته است. چهارچوب مفهومی این دوره‌بندی با این پیش‌فرض شکل گرفته است که تحولات نثر فارسی در دوران معاصر، تحت تأثیر تجدد و گفتمان‌های مربوط به آن، از ساخت اجتماعی و بحران‌های آن تأثیراتی عمده پذیرفته است. بر این اساس، در دوره‌بندی ارائه‌شده، تغییر الگوواره‌ای از طریق تأثیرات فرهنگ غربی بر جامعه ایرانی، در کانون توجه بوده است. بر این اساس، مراحل تحول نثر فارسی به پنج دوره؛ ۱. از دوران پیشامدرن تا سال ۱۲۹۹، ۲. از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰، ۳. از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، ۴. از ۱۳۵۷ تا دهه هفتاد و ۵. از دهه هفتاد تا کنون تقسیم شده و به بعضی از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر تحولات نثر در هر یک از این دوره‌ها پرداخته شده است تا از این طریق تصویری کلی از وضعیت نثر فارسی در یک سده اخیر ارائه شود.

پرسش‌های پژوهش

۱. تأثیرات گفتمان‌های معاصر، زیر عنوان گفتمان تجدد، بر نثر فارسی از دوران پیشامشروطه تا دهه نود خورشیدی چه بوده است؟
۲. تحولات نثر فارسی در دوره مورد نظر را به چه دوره‌هایی می‌توان تقسیم کرد؟

بحث و بررسی: ارائه دوره‌بندی

با نگاهی فراگیر به تحقیقات سبک‌شناسانه درباره نثر فارسی (بهار ۱۳۴۹؛ شمیسا ۱۳۸۷؛ غلامرضایی ۱۳۹۴)، درمی‌یابیم که تحولات نثر فارسی طی حدود نهمصد سال - از نظر شکل بیرونی - به حیطه‌های نثر ساده یا مرسل و نثر فنی و نثر مصنوع یا ترکیبی از این‌ها محدود می‌شده است. زبان فارسی طی دوره‌ای هزارساله و تا دوران منتهی به انقلاب مشروطه، مبتنی بر شعر و نظم بوده است و از حدود قرن ششم هجری، با رواج نثر فنی و مصنوع، اغلب صنایع و آرایه‌های مربوط به نظم و شعر در نثر نیز به کار می‌رفت و اغلب متون منشور فارسی نیز ترکیبی از نظم و نثر بود. در واقع در دوره‌ای طولانی، نثر به نظم نزدیک شد و این روند تا اوایل دوره قاجاریه ادامه یافت. این تحولات، همگی حاکی از مرکزیت بلامنازع نظم و شعر در نظام زبانی و ادبی کلاسیک فارسی است.

در سراسر دوران پیشامدرن، شمار افراد باسواد در جامعه ایرانی بسیار اندک بوده است و مخاطبان نثر فارسی، حتی در مقایسه با مخاطبان شعر، عموماً خواص و نخبگان بوده‌اند. تمایل به دشوارنویسی و کاربست افراطی عربی در فارسی نیز بر این مشکل می‌افزود. افزون بر نخبه‌محور بودن نثر فارسی (به ویژه از سده ششم هجری به بعد)، جغرافیای سیاسی ایران و موضوع امنیت، شرایط اقتصادی عامه مردم و شیوه تولید و معیشت در سراسر دوران پیشاصنعتی، به ویژه در کشوری مانند ایران، به انباشت ثروت در جامعه نمی‌انجامید (کرون ۱۳۹۵) و عملاً موجب شده بود که تحولات عمده‌ای در جامعه روی ندهد و دانش نیز در اختیار قشر اندکی از جامعه که در رفاه نسبی بودند قرار گیرد. به دلیل نبودن صنعت چاپ، امکان نسخه‌برداری از متون نیز به تعداد معدودی از افراد جامعه محدود می‌شد.

در ادامه، تحولات نثر فارسی در دوران معاصر را در قالب دوره‌های پیشنهادی بررسی خواهیم کرد. بر این اساس دوره‌های مختلف (پنج دوره پیشنهادی) به بحث گذاشته می‌شود.

نثر فارسی از اواخر دوره قاجار تا ۱۲۹۹: آغاز تأثیرات تجد

اگرچه نثر فارسی در سده‌های آغازین ورود اسلام به ایران و همچنین تحت تأثیر ترجمه‌های عربی متون یونانی، تغییراتی عمده یافت؛ تحولات بی‌سابقه، عمده و متفاوت در نثر هزارساله فارسی به دوره قاجاریه و آشنایی ایرانیان با جهان مدرن مربوط می‌شود. در این دوره، کوشش شد حکومتی مرکزی و فراگیر در کشور ایجاد شود و از جهاتی آرامشی نسبی در اوضاع سیاسی اجتماعی نیز پدید آمد؛ اما در این دوره، جامعه پیشامدرن ایران به عرصه کشمکش امپراطوری‌های در حال گسترش روسیه و بریتانیا و حتی در مقطعی فرانسه تبدیل شده بود و در چنین وضعیتی با جهان غرب روبه‌رو شد. افزایش تماس‌ها با جهان خارج، آشنایی نخبگان با ابعاد مختلف تمدن و فرهنگ توسعه‌یافته غرب را موجب شد و همزمان به آگاهی آنان از عقب‌ماندگی در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی ایران انجامید. بخشی از ساختار سیاسی قاجاریه، ضرورت آشنایی با غرب صنعتی و توسعه‌یافته برای الگوبرداری و انجام اصلاحات را دریافت و عباس‌میرزا ولیعهد فتحعلی‌شاه در این راه کوشش‌های بسیاری کرد. صنعت چاپ به ایران وارد شد و گروه‌هایی از دانشجویان ایرانی برای تحصیل به انگلستان و سپس فرانسه فرستاده شدند. مدرسه دارالفنون، نخستین مؤسسه آموزشی مدرن ایران، نیز در این دوره (۱۲۳۰ ش.) تأسیس شد. چنین ارتباط‌هایی نخست به منظور بهره‌مندی از تکنولوژی غربی ایجاد شد؛ اما آشنایی با فرهنگ غربی را نیز به همراه داشت. روند فزاینده تماس با دنیای غرب، به انگیزه اخذ آگاهی و در جهت مدرن‌کردن جامعه سنتی ایران، به تدریج ایرانیان را با جهان‌بینی مدرن رو در رو و آشنا کرد؛ به‌گونه‌ای که مدرنیته شکافی عمیق و پایدار در فرهنگ سیاسی و گفتمان‌های فکری ایران پدید آورد (میرسپاسی ۱۳۹۲: ۱۴۲). تغییر جهان‌بینی ضرورتاً به دگرگونی زبان انجامید؛ به‌گونه‌ای که همه تحولات نهصدساله نثر فارسی در برابر تحولات ناشی از جهان‌بینی مدرن، بسیار ناچیز به شمار می‌آید.

دیدن از نگاه غربی: سیاحتنامه، رساله و خاطره

تغییرات در جهان‌بینی به چند شیوه مشخص، بر نثر فارسی تأثیر گذاشت. انتقال تجربه آشنایی با غرب، در گام‌های نخست از طریق انتشار سیاحتنامه‌ها صورت گرفت. به همین دلیل است که تعداد سیاحتنامه‌ها در این دوره فزونی می‌گیرد و چنانکه تحقیقات نشان می‌دهد، به نوع ادبی غالب تبدیل می‌شود (قانون‌پرور ۱۳۹۳: ۳۸). رواج این نوع ادبی به اندازه‌ای بود که ناصرالدین‌شاه قاجار نیز به انتشار سیاحتنامه‌های خود، چه به صورت کتاب و چه به صورت گزارش سفرها، در روزنامه‌ها اقدام می‌کرد. سفرنامه میرزا صالح، از نخستین محصلان فرستاده‌شده به اروپا، با نام *حیرت‌نامه*، که در این دوران منتشر شد، نشان‌دهنده گذار از مرحله تفنن در شناخت غرب به مرحله‌ای اندیشمندانه است. این سفرنامه، از جهت شیوه نگارش

تاریخ اروپا و انگلستان، که ترجمه از متون انگلیسی است، نوعی گسست از سنت تاریخ‌نویسی سنتی فارسی است و از جهتی دیگر به دلیل پرداختن به جنبه‌های گوناگون حیات مدنی غرب، متنی نوآورانه به شمار می‌آید. در واقع در این اثر برای بیان «مضمونی نو»، «زبانی نو» به کار رفته است (طباطبایی ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۶۵). نویسنده در همین سفرنامه با آوردن خاطره‌ای، از دوری کردن خود از شعرگویی و بی‌ارزش دانستن آن سخن می‌گوید (طباطبایی ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۶۵). نخستین روزنامه که به کاغذ اخبار (ترجمه لفظ به لفظ News Paper) معروف است نیز به دست همین شخص در سال ۱۲۵۳ ق. / ۱۸۳۷ م. در تهران انتشار یافت. افزون بر این‌ها، تحقیقات تاریخ‌نگارانه نیز نشان می‌دهد که نوشتن رساله‌های سیاسی-انتقادی، خاطره‌نویسی و شرح‌حال‌نویسی در این دوره عمومیت یافت (سپانلو ۱۳۷۴: ۳۳). در این میان رساله‌هایی که میرزا ملکم‌خان که در خارج می‌زیست، به قصد اصلاح و ایجاد قانون و «به شیوه سؤال و جواب و تیاتر» می‌نوشت و بهار آن را مکتب ملکم نامیده نیز در ساده‌کردن نثر فارسی بسیار مؤثر بوده است (بهار ۱۳۸۱: ۳۶۳).

انواع ترجمه

شکل دیگر تأثیر فرهنگ مدرن بر نثر فارسی، ترجمه است. چهار گروه در ترجمه نقش داشتند: ۱. به دستور شاه و دربار اثری ترجمه می‌شد؛ ۲. مدارس مدرن، از جمله دارالفنون اثری را برای کاربرد آموزشی سفارش می‌دادند؛ ۳. روشنفکران و مخالفان سیاسی اثری را ترجمه می‌کردند؛ ۴. دست آخر مترجمانی طبق سلیقه شخصی به ترجمه می‌پرداختند (بالایی ۱۳۷۷: ۴۱). شمول و گوناگونی این چهار گروه، نشانه مهمی از توجه و اقبال بیشتر نخبگان ایرانی در این دوره به فرهنگ مدرن است. بررسی فهرستی که از متون ترجمه‌شده در دوره منتهی به مشروطه تهیه شده، نشان می‌دهد که حتی ترجمه رمان‌ها با انگیزه‌های آموزشی، چه برای محصلان و چه از نظر فکری و سیاسی برای سایر مخاطبان، صورت گرفته است. برخی از مهم‌ترین مترجمان این فهرست عبارت‌اند از: آخوندزاده، طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ روحی، مستشارالدوله، صدرالمعالی، سیدجمال‌الدین افغانی، ملک‌خان، و میرزا حبیب اصفهانی که چنانکه می‌بینیم، همگی از روشنفکران تأثیرگذار در انقلاب مشروطه هستند (بالایی ۱۳۷۷: ۴۹-۴۸). صبغه آموزشی این متون، چه برای محصلان مدارس و چه برای آگاهی عموم مردم، دگرگونی عظیمی در طیف مخاطبان نثر فارسی را نشان می‌دهد. صرف ترجمه از زبان‌های غربی، به ویژه از زبان فرانسوی، رخدادهای فرهنگی بسیار مهمی به شمار می‌آید. افزون بر این، در این ترجمه‌ها با شکل‌های ادبی مدرنی مانند نمایشنامه و رمان روبه‌رو هستیم؛ شکل‌هایی که پیش از این در نثر فارسی سابقه نداشت. چنانکه می‌دانیم این دو شکل ادبی، به ویژه رمان مخاطبانی عام را دربرمی‌گیرند. افزون بر این‌ها مراحل آغازین ترجمه رمان در ایران، رمان‌های عامه‌پسند و پرمخاطب را شامل می‌شده است که از هر جهت و از جمله

نثر، متونی ساده به شمار می‌آیند. نکته قابل توجه دیگر اینکه هیچ متن شعری در ترجمه‌ها نیست و این موضوع با توجه به اهمیت شعر در نظام ادبی کلاسیک فارسی، رویدادی فوق‌العاده مهم باید در نظر گرفته شود.

متون تحول‌گرا

به تدریج، قشری نخبه و روشنفکر در میان ایرانیان شکل گرفت که با الگوبرداری از فرهنگ اروپایی، در کنار ترجمه برخی کتاب‌ها، از طریق فعالیت‌های گوناگونی از قبیل انتشار روزنامه، به ترویج افکار و مفاهیم مدرن در میان طیف گسترده‌ای از عموم مردم اقدام کردند. به دلیل استبداد ساختار سیاسی حاکم، روزنامه‌های تأثیرگذار و مهم در عثمانی، هندوستان و مصر چاپ و به‌رغم ممنوعیت، در ایران پخش می‌شد و مخاطبانی گسترده و به تبع آن، نفوذی چشم‌گیر در میان مردم می‌یافت؛ در نتیجه، روشنفکران تحول‌خواه، نثر فارسی را به ابزاری برای به‌چالش کشیدن مشروعیت ساختار سیاسی حاکم و همچنین کلیت فرهنگ پیشامدرن تبدیل کردند. این‌گونه بود که نثر گذشته‌نگر و در انزوای فارسی، از بودن به شدن گرایید و در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران به عاملی انقلابی، پیشرو و تأثیرگذار تبدیل شد. بر اساس چنین نیازی بود که نثر ساده شد. نگارش و انتشار سیاحتنامه‌ها، ساده‌تر شدن نثر مکاتبات رسمی حکومت- بیشتر تحت تأثیر ارتباط با کشورهای دیگر و تقلید از سبک فرنگی (بهار ۱۳۸۱: ۱۳۸۱)-، ترجمه‌ها، به ویژه ترجمه رمان‌ها (که همه عامه‌پسند بودند) و کتاب‌های آموزشی در تحول نثر تأثیرات مهمی بر جای گذاشته بود. بررسی ترجمه تمثیلات آخوندزاده و آثار چند نمایشنامه‌نویس دیگر از قبیل میرزا آقاخان تبریزی، مرتضی قلی‌خان مؤیدالممالک و احمدخان کمال‌الوزاره، نشان می‌دهد که در این آثار، به ویژه به دلیل رعایت لحن در گفت‌وگوها، از زبان ساده گفتاری و روزمره مردم، بسیار استفاده شده است (امجد ۱۳۷۸: ۷۲-۸۲، ۱۳۷-۱۴۶، ۲۴۴-۲۵۷ و ۳۳۵-۳۴۶)؛ اما بی‌گمان، در ساده و عمومی کردن نثر فارسی، بیشترین تأثیر از آن مطبوعات فارسی بود؛ زیرا در این دوران، ارتباطات جامعه ایرانی از طریق نوشتار مطبوعاتی گسترشی بی‌سابقه یافت.

روزنامه

در ایران دوره مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵ ش.) بیش از سی عنوان روزنامه و مجله به زبان فارسی منتشر می‌شد که هفت عنوان آن دولتی بود (پروین ۱۳۷۹: ۳۹۶)؛ البته انتشار روزنامه در ایران تا صدور فرمان مشروطیت، در چهارچوب «تئوری استبداد مطبوعات و ارتباطات اجتماعی» (کهن ۱۳۶۰: ۱۳) می‌گنجید. به همین سبب سانسور شدید دولتی در ایران رواج داشت و روزنامه‌های فارسی از

قبیل *حبل‌المتین*، اختر و ثریا که در خارج از ایران و در کلکته، «اسلامبول»، قاهره و همچنین روزنامه بسیار تأثیرگذار *قانون* که در لندن منتشر می‌شد، محبوبیت و نفوذ بیشتری در افکار عمومی داشت و اتفاقاً زبان این روزنامه‌ها، در مقایسه با نشریات داخلی، به دور از تکلفات منشیانه و بسیار ساده‌تر بود. از مرگ ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۵ ش. تا شکست مشروطه و استبداد صغیر در سال ۱۲۸۸ ش. دست‌کم ۲۱۸ عنوان روزنامه فارسی (۱۰۱ عنوان در تهران، ۸۹ عنوان در دیگر شهرها و ۲۸ عنوان در بیرون از کشور) منتشر می‌شد (پروین ۱۳۷۹: ۷۹۸) که این آمار رونق چشم‌گیر انتشار روزنامه در دوره مشروطه را نشان می‌دهد. گردانندگان اغلب این نشریات روشنفکرانی رادیکال و سیاسی بودند که هدف آنان، ضمن آشنا کردن مخاطب ایرانی با جهان مدرن، آگاه کردن مردم از انواع نابسامانی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها و ارائه راه‌حل‌هایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود بود. این راه‌حل‌ها مواردی از قبیل مبارزه با استبداد و الگوبرداری از ساختار سیاسی دموکراتیک غربی در اداره جامعه، آموختن علوم و فنون مدرن، ایجاد نهادهای مدرنی مانند پارلمان، دادگاه و توجه به مفاهیمی اساسی مانند قانون و برابری و آزادی را شامل می‌شد؛ مفاهیمی که تا آن زمان در زبان فارسی هیچ سابقه‌ای نداشت. نگاهی اجمالی به نشریات این دوره نشان می‌دهد که مطالب آن‌ها به گونه‌ای بی‌سابقه مروج ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن غربی بوده است و چشم‌اندازی گسترده به جهانی به کلی متفاوت ارائه می‌کرده‌اند.

در دوران مورد نظر، از نظر فنی، ما با شکل‌های تازه‌ای از نشر روبه‌رو هستیم که در مطبوعات منتشر می‌شد و بر تحولات نشر فارسی بسیار تأثیر گذاشت. نخستین مورد، خبر است. کارکرد ارجاعی و اطلاع‌رسانی خبر و عام‌بودن مخاطب، خودبه‌خود موجب ساده‌شدن نشر آن شد. گونه دیگری از نشر خبری که در دورکردن نشر فارسی از اطناب نقش مؤثری داشته، خبرهایی است که در قالب تلگراف منتشر می‌شده است. خبرهای خارجی بیشتر در قالب تلگراف و با عنوان‌هایی مانند تلگراف، تلگرافات و اخبار تلگرافی در اغلب روزنامه‌های این دوران منتشر می‌شدند. به تدریج بخشی از مطالب نشریات را تلگراف‌های مخاطبان از نقاط مختلف کشور تشکیل می‌داد. انواع مطالبی که گزارشگران نشریات (در آن زمان با عنوان‌هایی مانند وقایع‌نگار، مخبر سیار و اخبارنگار شناخته می‌شدند) می‌نوشتند نیز نشر پیشامدرن فارسی را که گرفتار اطناب و پیچیدگی بود، موجز و ساده‌تر کرد؛ مثلاً نخستین روزنامه یومیه ایران، *خلاصه‌الحوادث* که در ۱۳۲۱ ق. منتشر می‌شد، انحصار به خبرهایی داشته که توسط خبرگزاری رویترز برای پخش در هندوستان به ایران تلگراف می‌شده و نسخه‌ای از آن به شاه، نسخه‌ای به سفارت انگلیس و نسخه سوم در این روزنامه منتشر می‌شده است و بعضی از روزنامه‌ها نیز خبرهای برون‌مرزی خود را از این روزنامه می‌گرفتند (پروین ۱۳۷۹: ۷۳۶-۷۳۵). این موضوع افزون بر دورکردن نشر فارسی از اطناب، در ساده‌کردن آن بسیار مؤثر بوده است. انتشار ترجمه در زمینه‌های گوناگون؛ از خبر گرفته تا متن‌های تاریخی و علمی و رمان، استاندارد زبان نشر فرنگی در این متن‌ها را بر زبان فارسی تحمیل کرد. انتشار تبلیغات (اعلان) نیز با توجه به کارکرد

خبردهی فشرده آن، بر نثر فارسی تأثیر گذاشت. نثر فارسی بیشتر در خدمت بازنمایی مسائل روز دنیا و کشور قرار گرفت و از حالت انتزاعی خارج و به نوعی عینی‌گرایی رئالیستی نزدیک شد.

سرتاسر روزنامه‌ها مظاهر و مفاهیمی از دنیای مدرن، از معرفی کشورها، بحث درباره ترقی (مثلاً راه آهن و بانک) و علم جدید (فیزیک، شیمی، حتی معرفی مقیاس‌های جهانی از قبیل متر، سانتیمتر، مساحت، لیتر و...) گرفته تا آزادی و برابری و... را مطرح می‌کنند و در نگاهی فراگیر، مهم‌ترین دروازه آشنایی ایرانیان با جهان مدرن هستند. مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روزنامه دوره مشروطه، *صوراسرافیل* با مدیریت میرزا جهانگیرخان شیرازی و نویسندگی میرزا علی‌اکبرخان قزوینی (دهخدا) منتشر می‌شد که در تحولات نثر فارسی بسیار مؤثر بود. مجموعه‌ای از مقالات با عنوان *چرندوپرنده* که در این روزنامه منتشر می‌شد، میان زبان عامیانه و گفتاری و زبان نوشتاری پل زد و زبان عامیانه را به ادبیات فارسی وارد کرد و از این طریق زبان ادبی فارسی را، نه در نظم؛ بلکه در نثر که طی سده‌ها از زبان عامه مردم متمایز شده بود، متحول کرد (کامشاد ۱۳۸۴: ۶۸؛ بالایی و کویی پرس ۱۳۶۶: ۷۱).

چنین رویکردی تحولاتی بنیادین در جهان انسان ایرانی آن زمان و عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران ایجاد کرد و طبیعی است که در چنین زمینه‌ای نثر فارسی که تا پیش از این بازنمود جهانی به کلی متفاوت بود، شروع به تغییر کرد؛ در نتیجه نثر فارسی، همزمان با عمومی شدن، هم در محتوا و هم در شکل تحولی عمده یافت. برخی پژوهشگران برجسته زبان فارسی نیز بر نقش بینش و جهان‌بینی روشنفکران و نخبگان سیاسی در تحول نثر فارسی و رابطه مستقیم تحولات نثر فارسی با دگرگونی‌هایی که در شکل زندگی فرهنگی و تاریخی و چگونگی خودآگاهی ایرانیان رخ داد، تأکید کرده‌اند (آشوری ۱۳۶۳) و برخی دیگر این تحولات را نتیجه تحولات عظیم اجتماعی در ایران دانسته‌اند (بهار ۱۳۸۱: ۱۲۸) پژوهنده دیگری نیز بر اهمیت یافتن ملیت‌گرایی در این دوره و غلبه آن بر مذهب تأکید کرده است (یارشاطر ۱۹۶۰: ۲۹۹).

نثر در سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰: تأثیرات ادبی

مرحله بعدی تحولات نثر فارسی (از حدود ۱۲۹۹ ش. تا ۱۳۲۰ ش.) را می‌توان در چند مقوله بررسی کرد. در این دوره، بحث‌های مربوط به تجدد ادبی جاگزین مباحث سیاسی می‌شود. در تحلیل تحولات نثر فارسی در این دوره، باز هم با عواملی مشابه تحولات عظیم نثر فارسی در دوره منتهی به انقلاب مشروط روبه‌رو هستیم؛ زیرا منشأ تحولات چنانکه یکی از پژوهشگران زبان فارسی بر آن تأکید کرده است (آشوری ۱۳۶۳ و ۱۳۸۶)، از بیرون زبان فارسی و بیرون از ایران است و به دست روشنفکران صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین اتفاق نثر فارسی در این سال‌ها انتشار

کتاب یکی بود و یکی نبود است که در سال ۱۳۰۰ در برلن منتشر شد. نخستین قصه این مجموعه، «فارسی شکر است»، نخست در روزنامه کاوه در برلن به سال ۱۲۹۹ ش. منتشر شده که مؤسس و مدیر آن سیدحسن تقی‌زاده، روشنفکر و فعال سیاسی نامی آن زمان است. کتاب را نیز انتشارات کاوه در برلن منتشر کرده است. پس همچنان مطبوعات و روشنفکران در تحولات زبان و نثر فارسی مؤثرند. جمالزاده در مقدمه حکایت «فارسی شکر است» در روزنامه کاوه در تبلیغ کتاب یکی بود و یکی نبود می‌نویسد که در مقدمه کتاب بحثی دارد درباره «خرابی و فقدان نسبی نثر فارسی» (۱۲۹۹: ۸). ارزش این کتاب در تحولات نثر فارسی در چند موضوع خلاصه می‌شود. یکی کاربست زبان عامیانه در سراسر قصه‌ها که از این جهت ادامه کار دهخدا در چرندوپرنده است و دیگری تلاش برای استفاده از نثر فارسی برای نگارش داستان کوتاه فارسی.

اما دو نکته مهم دیگر در این اثر وجود دارد؛ اگرچه در مقدمه کتاب یاد شده درباره «نثر رومانی» و «نثر حکایتی» بحث می‌شود، همان‌گونه که اغلب محققان اشاره کرده‌اند، مطالب آن بیشتر در حکم بیانیه‌ای برای نثر جدید فارسی است: نثری که باید از میراث سنتی خود بگسلد و به زبان عوام نزدیک شود و ادیبان نیز باید از سرودن شعر و نظم به نوشتن نثر روی آورند. انگیزه‌های نویسندگان از چنین تغییراتی در نثر فارسی کاملاً مطابق است با انگیزه‌های نویسندگان و روشنفکران مشروطه: آموزش عوام به منظور ترقی جامعه. در این مقدمه، از ویکتور هوگو نقل می‌شود که زبان امری است که همواره در تغییر و حرکت است و سکون و تغییرناپذیری آن با مرگ آن برابر دانسته می‌شود (جمالزاده ۱۳۲۰: ۱۴) و حکایت‌های این مجموعه همان‌گونه که در اعلانی در کاوه در دسامبر ۱۹۲۱ آمده است «مانند رومان‌های فرنگی، زندگی اجتماعی را نشان می‌دهند» (بالایی و کویبی پرس ۱۳۶۶: ۱۷۳). از نظر جمالزاده، نویسندگانی که هنگام نوشتن، فقط متوجه «گروه فضلا و ادبا» هستند و افراد بسیاری را که «نوشته‌های ساده و بی‌تکلف» را می‌توانند بخوانند و بفهمند در نظر نمی‌گیرند، تحت تأثیر استبداد سیاسی هستند که بر ادبیات نیز تأثیر گذاشته و در نهایت آن‌ها را متهم می‌کند که «پیرامون دموکراسی ادبی نمی‌گردند» (جمالزاده ۱۳۲۰: ۳). تفاوت عمده این مقدمه با آثار روشنفکران سیاسی که نثر فارسی را به سبکی ساده و به انگیزه ارتباط با مخاطبانی بیشتر به کار بردند، این است که نویسندگان در آن مستقیماً و آگاهانه درباره زبان و نثر فارسی مدرن در آثار ادبی سخن می‌گویند.

اتحاد دولت و تحول‌خواهان

افزون بر این، محتوای یکی از داستان‌های این مجموعه، یعنی «فارسی شکر است»، درباره زبان فارسی و وضعیت بحرانی آن تحت تأثیر زبان‌های عربی و فرانسه است. در این زمان، در حیطه سیاست، با روی کار آمدن رضاخان، مدرنیزاسیون

(غربی‌سازی) کشور به برنامه اصلی تبدیل شد. در تقابل با نهادهای سنتی، نهادها و مؤسسه‌های مدرن، از جمله مؤسسات گوناگون آموزشی و دانشگاه تأسیس شدند و ابزارهای نهادی مدرن‌سازی سریع و برون‌نگر کشور در اختیار دولت و روشنفکران و نخبگان قرار گرفت. در واقع، تحولاتی که در دوران مشروطه آغاز شده بود، در این مقطع در قالب دولت مدرن به‌گونه‌ای ساختاری و منسجم‌تر و با توجه به انواع پیشرفت‌ها، از جمله پیشرفت تکنولوژی سرعت گرفت و کلیه شئون زندگی اجتماعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. میزان و سرعت تحولات در جامعه ایرانی به اندازه‌ای زیاد بود که با دوره‌های قبلی تحولات مقایسه‌کردنی نیست؛ برای نمونه، یکی از مؤسسات انتشاراتی که در ۱۳۰۲ ش. تأسیس شد، تعداد رمان‌های منتشرشده خود را در سال ۱۳۱۱ ش.، ۱۲۰ عنوان اعلام کرده و به گفته همین مؤسسه، تعداد رمان‌های فارسی بین سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۰ ش.، ۷۱ عنوان بوده است. این در حالی است که کتاب‌های ترجمه‌شده، شامل رمان و غیررمان و چاپی و غیرچاپی در فاصله سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ ش. فقط ۸۰ عنوان بوده است (سپهران ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱).

دانشجوهای اعزامی و تحول ادبی

طبق تصویب مجلس ایران از ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲ ش. سالانه یکصد محصل به کشورهای غربی اعزام می‌شده و پس از آن نیز به صورت اعزام شاگردان اول بوده است (مرادی‌نژاد و پژوم شریعتی ۱۳۵۲، به نقل از سپانلو ۱۳۷۴: ۶۸). این دانشجویان پس از بازگشت در مشاغل اداری، سیاسی، آموزشی و مطبوعاتی مشغول به کار شدند و در اداره کشور و تحولات فرهنگی و اجتماعی کشور نقشی مؤثر ایفا کردند (سپانلو ۱۳۷۴: ۶۹). در این دوره است که به تدریج نثر مدرن فارسی در انواع گوناگون ادبی و غیرادبی (در داستان کوتاه با جمالزاده و هدایت، در رمان اجتماعی با مشفق کاظمی، محمد حجازی، محمد مسعود و ...، در رمان تاریخی با صنعتی‌زاده کرمانی، در نمایشنامه با حسن مقدم و رضا کمال، در رمان مدرن با صادق هدایت و در تحقیقات ادبی و تاریخی با ابراهیم پورداوود، محمدعلی فروغی، ملک‌الشعرا بهار، علی‌اکبر دهخدا، احمد کسروی، سعید نفیسی و...) تشخیص می‌یابد (رحیمیان ۱۳۸۷: ۱۴۵-۷۱). در این دوره بیست‌ساله، با وجود آزادنبودن تبادل اطلاعات و سانسور دولتی و بی‌رونقی فعالیت‌های سیاسی، رمان تاریخی که نوعی از رمان عامه‌پسند است، رواج یافت. رمان‌های تاریخی، اعم از رمان‌های ترجمه و رمان‌های فارسی که تا سال ۱۳۲۰ وجه غالب رمان فارسی بود را می‌توان در حیطه ناسیونالیسم رمانتیک مقوله‌بندی کرد (جعفری ۱۳۸۶: ۴۹-۳۵).

افزون بر این، در اواخر دوره مشروطه و اوایل حکومت رضاشاه، قطعه ادبی‌نویسی، نخست به صورت ترجمه و سپس به صورت تقلیدی رواج یافت. این رویداد در کنار ترجمه مشهور شعرهای فرنگی، بُعد دیگری از تحولات نثر رمانتیک

فارسی را تشکیل می‌دهد. در واقع این دو نوع ادبی جدید یعنی رمان تاریخی و قطعه ادبی وصفی و داستانی تحت تأثیر میراث رمانتیسم اروپایی پدید آمدند و حال و هوایی رمانتیک دارند (جعفری ۱۳۸۲: ۲۶-۲۵).

همچنین در این دوره و تحت تأثیر گفتمان ناسیونالیستی، گروهی از روشنفکران ایرانی (مهم‌ترین آن‌ها صادق هدایت) مطالعات فولکلور را که تا اندازه‌ای میراث روشنفکران عهد مشروطه بود در کانون توجه قرار دادند (فاضلی ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۳۰). مخاطب اصلی این روشنفکران نیز عامه مردم و نه نخبگان بودند (فاضلی ۱۳۹۶: ۳۷۴). این امر نیز ارتباط بیشتر نثر فارسی و فرهنگ عامه و زبان گفتار و زبان نوشتار را موجب شد و به ساده‌کردن نثر فارسی و ورود آن به حیطه‌های عمومی‌تر فرهنگ ایرانی کمک کرد.

نثر فارسی؛ سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷: تأثیرات گفتمان چپ

روند الگوبرداری از غرب و مدرن‌سازی جامعه ایرانی تا سال ۱۳۵۷ با شتاب ادامه یافت و در پیوند با تحولات عمده در حیطه‌های گوناگون زندگی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایرانیان، نثر فارسی نیز تغییراتی عمده یافت. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به دلایل گوناگون، فضای باز سیاسی در ایران شکل گرفت و چند گفتمان اصلی در جامعه ایرانی به رقابت پرداختند. با وجود گفتمان‌هایی بااهمیت مانند ملی‌گرایی لیبرال، گفتمان اسلامی و گفتمان سلطنت‌طلب، گفتمان مارکسیستی لنینی در قالب حزب توده، گسترده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی را از طریق انتشار روزنامه و جذب اکثریت نویسندگان صورت داد؛ به گونه‌ای که عمده ادبیات معتبر منتشرشده در ایران تا سال ۱۳۵۷ را ادبیات مارکسیستی تشکیل می‌دهد (تلطف ۱۳۹۴).

نثر ادبی فارسی، به ویژه در شاخه ادبیات معتبر، در قالب داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه، در انحصار نویسندگان روشنفکری قرار گرفت که این بار مدرنیسم را در قالب خوانشی از ایدئولوژی مارکسیستی درک کرده و پذیرفته بودند. همزمان با رونق ادبیات معتبر، به دلیل فضای باز سیاسی و رونق مطبوعات در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (آزادترین دوره نشر مطبوعات در تاریخ ایران) تعداد فراوانی رمان پاورقی اجتماعی و تاریخی در هفته‌نامه‌های پرتیراژ کشور منتشر شد و ادبیات مشور فارسی عمدتاً از طریق رمان‌های اجتماعی و با پرداختن به مسائل روزانه و روزآمد جامعه ایرانی به باز نمود بخش‌های گوناگون فرهنگ جامعه تبدیل شد. این روند تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. از سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ تعداد فراوانی از نثرنویسان مدرن در زمینه داستان کوتاه، رمان و نمایشنامه ظهور کردند؛ از جمله: جلال آل احمد، صادق چوبک، بزرگ علوی، علی محمد افغانی، غلامحسین ساعدی، سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری، بهرام صادقی، محمود دولت‌آبادی، احمد محمود و... در زمینه نمایشنامه غلامحسین ساعدی، علی نصیریان، بهمن فرسی، اکبر رادی، بهرام بیضایی و بیژن مفید

و در زمینه فیلمنامه نیز کسانی مانند داریوش مهرجویی، غلامحسین ساعدی و بهرام بیضایی قابل ذکرند (سپانلو ۱۳۸۷: ۲۴۵-۲۱۴).

اگرچه نمونه‌هایی از ذهن‌گرایی در برخی داستان‌های فارسی (از جمله بوف‌کور، ملکوت و شازده‌احتجاج) دیده می‌شود و پژوهش‌های برخی تاریخ‌نگاران ادبی، نوعی گرایش عارفانه را در داستان‌های مدرن فارسی از سال‌های دههٔ چهل تا سال ۱۳۵۷ ردیابی کرده است (میرعابدینی ۱۳۸۷: ۷۵۴-۷۴۳) و به‌رغم شعرگونه‌شدن برخی از نثرهای داستانی در دو دههٔ منتهی به انقلاب اسلامی و رجوع بعضی فعالان سیاسی و فرهنگی به مفاهیم مذهبی (آل احمد و شریعتی)، نگاهی فراگیر به تحولات نثر فارسی از اواخر دورهٔ مشروطه تا سال ۱۳۵۷، نشان می‌دهد که نثر فارسی تحت تأثیر کنش‌های روشنفکران و نخبگان سیاسی در قالب‌هایی مانند سفرنامه، روزنامه، ترجمه‌های ادبی (رمان) و غیرادبی، نمایشنامه، رمان، ادبیات عامیانه و بعدتر داستان کوتاه، ضمن نزدیک‌شدن به زبان گفتار و همزمان جذب‌کردن مفاهیم گوناگون فرهنگ و تمدن مدرن، با فراز و نشیب‌هایی به سوی رئالیسم و عینی‌گرایی حرکت کرد. تحقیقات دربارهٔ داستان کوتاه فارسی نیز نشان می‌دهد که تا اواخر دههٔ ۱۳۵۰ ش. رئالیسم یکی از مهم‌ترین سبک‌های نگارش این نوع ادبی بوده است (پاینده ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۷) و از اوایل دههٔ ۱۳۴۰ تا اواخر دههٔ ۱۳۵۰ داستان‌های کوتاه فراوانی در این سبک نوشته شد (پاینده ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۵). تأثیر ادبیات و نثرهایی با محتوای سیاسی و اجتماعی در تغییرات نثر فارسی به اندازه‌ای بوده است که برخی پژوهشگران زبان فارسی بر پیشینی‌بودن تغییرات زبان غیرعلمی فارسی و تأثیر آن بر تحولات زبان علمی فارسی تأکید کرده‌اند (صادقی ۱۳۷۲: ۱۱۹)؛ البته تفکر بازگشت به خویشتن و نوعی عرفان‌گرایی و عرفان‌زدگی و نگاه غرب‌ستیزانه (در قالب مفاهیمی مانند غرب‌زدگی) که تحت تأثیر غرب (جنبش هیپیسیم و جنبش دانشجویی می ۱۹۶۸) از دههٔ چهل، میان بخشی از روشنفکران رواج یافت، تأثیرات عمده‌ای بر نثر فارسی گذاشت که در آثار بعضی از نویسندگان از جمله آل احمد و شریعتی نمود آن را می‌توان دید (صنعتی ۱۳۸۸: ۲۳۸).

نثر فارسی در دوران انقلاب اسلامی: گفتمان اسلامی و تجدد

نثر فارسی پس از انقلاب اسلامی از جهاتی ادامهٔ نثر فارسی پیش از انقلاب است؛ با این تفاوت عمده که تا اواخر سال‌های دههٔ شصت با حمایت ساختار سیاسی حاکم کوشش شد متن‌های فراوانی با محتوای ایدئولوژی مذهبی تولید شود. این در حالی است که نثر فارسی از دوران منتهی به مشروطه، تحت تأثیر فرهنگ مدرن، دیگر صرفاً بازتاب‌دهندهٔ مفاهیم دینی و مذهبی نبود و شرایط آن پس از انقلاب ۵۷ در نظام زبانی و ادبی جامعهٔ ایران تثبیت شده بود؛ یعنی هم عمومی شده بود و هم در اغلب قالب‌های ادبی مدرن چه ترجمه‌ای و چه تألیفی، آثار

فراوانی بر جای گذاشته بود. در واقع، تجربه نثر فارسی در قالب‌های مدرن داستانی، آشکارا ورود آن به حیطه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و به عبارت دیگر، حیات اجتماعی آن را اثبات می‌کند.

پس از انقلاب ۵۷ تا کنون چیرگی نثر بر نظم و شعر تشدید شده است و در حیطه ادبیات می‌توان این دوران را دوران داستان‌نویسی دانست. موفق‌ترین نوع ادبی در این دوره، داستان کوتاه بوده است. همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که از اوایل دهه ۱۳۶۰ مدرنیسم در داستان کوتاه فارسی به وجه غالب تبدیل شده است و این امر به دلیل از میان برداشته شدن محدودیت‌های رئالیسم، توجه نویسندگان به موضوعات جدیدتری غیر از مسائل روستا و فقر و معضلات طبقات فرودست را موجب شد (پاینده ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۶)؛ موضوعی که غلبه گرایش‌های چپ در ایران آن را تشدید کرده بود؛ در نتیجه می‌توان ادعا کرد که ذهنیت‌گرایی مدرنیستی در داستان فارسی واقعیت را به مثابه امری متکثر، چندگانه و قائم‌به‌فرد بازتاب می‌دهد (پاینده ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۸) و این موضوع نه تنها در مورد داستان کوتاه مدرن فارسی؛ بلکه دربارهٔ رمان مدرنیستی فارسی نیز صدق می‌کند. رسیدن به چنین مرحله‌ای در داستان‌نویسی فارسی را می‌توان از نقاط اوج آن در بازتاب تجربه مدرن دانست؛ تجربه‌ای که بخش عمده‌ای از آن در آغاز تحولات نثر فارسی معاصر، تقلیدمحور بود. در این میان، داستان کوتاه شاعرانه یا غنایی فارسی جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا می‌توان این نوع ادبی را ادامه شعر عاشقانه کلاسیک فارسی دانست که نه تنها در شعر معاصر؛ بلکه در داستان‌های کوتاه بسیاری از نویسندگان امروزی نیز بازتاب یافته است و این امر را نیز می‌توان بازتاب‌دهنده بخشی از فرهنگ ایرانیان دانست؛ زیرا این نوع شعر در ضمیر ناهشیار جمعی اغلب ایرانیان و نویسندگان جای گرفته است (پاینده ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۲). عمومی شدن نثر در قالب ادبی، به نوع ادبی رمان و داستان کوتاه محدود نشد و در نوع ادبی، داستانک را در بر گرفت.

نثر فارسی از دهه هفتاد تا کنون: فناوری‌های جدید اطلاعاتی

تحول عمده دیگر در نثر فارسی از اواخر دهه هفتاد تحت تأثیر دو عامل بسیار مهم یعنی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر بستر گوشی‌های تلفن همراه رخ داده است. بر این اساس یکی از شکل‌های جدید نگارش فارسی یعنی وبلاگ‌نویسی رایج شد؛ به گونه‌ای که هم‌اکنون چندصد هزار وبلاگ فعال فارسی وجود دارد. این شکل جدید نوشتار تأثیرات گفتمان‌های برآمده از فناوری و تبعات فرهنگی آن را اثبات می‌کند (پاینده ۱۳۹۰: ۳۷۸-۳۶۳). شبکه اجتماعی فیس‌بوک نیز در همین مقوله جای می‌گیرد. همچنین شبکه اینستاگرام و پیام‌رسان تلگرام و واتساپ در ایران کاربرانی میلیونی دارند. اگرچه منشأ این شکل‌های نوشتاری جدید را اغلب فرهنگ شفاهی دانسته‌اند، باید در نظر داشت که عمده تحولات نثر فارسی در یک

سدهٔ اخیر تحت تأثیر همین فرهنگ شفاهی بوده است و اساساً مهم‌ترین تحول فرهنگی معاصر را می‌توان همین گرایش به فرهنگ توده دانست که نثر فارسی نیز تحت تأثیر این عامل، به سرعت در حال دگرگونی است. گفتمان غالب این نوع نثر را می‌توان گفتمان عامه‌پسند دانست.

البته برخلاف این تحولات مهم در نثر فارسی و تقویت کارکرد ارجاعی آن در فضای مجازی و همچنین در برابر عینیت‌گرایی رئالیستی نثر داستانی فارسی، ذهنیت‌گرایی در نثر ادبی فارسی در پایان این دوره یکصدساله، وجه غالب ادبیات داستانی شده است. در چنین وضعیتی نثر داستانی فارسی نه روایت‌گر صرف وقایع بیرونی؛ بلکه بازتابی از ذهنیت راوی و شخصیت‌های داستانی است و در آن، تمرکز نه بر ارتباط میان فرد و جامعه؛ بلکه بر ارجحیت فرد بر جامعه است (پاینده ۱۳۹۶: ۱۴۶).

نتیجه

چنانکه در این بررسی نشان داده شد، نقطهٔ آغاز تحولات نثر فارسی در یک سدهٔ اخیر، عطف توجه به عینیت‌گرایی و جهان بیرون از ذهن و به عبارتی دقیق‌تر امر اجتماعی بوده است. در واقع یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر فارسی در آغاز دورهٔ معاصر، عمومی شدن آن بوده است؛ امری که نثر ادبی در آن نقشی بسیار مؤثر داشته است. با این حال، در پایان این دوره یکصدساله، چنانکه اشاره شد، نثر ادبی فارسی، در قالب‌های نوین داستان‌نویسی، از دههٔ هشتاد به این سو به ذهنی‌گرایی متمایل شد. در کنار این تحول عمده در نثر ادبی فارسی، چنانکه پیش از این نیز گفته شد، رواج اینترنت و انواع شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها تأثیرات فزایندهٔ فرهنگ توده‌ای بر تحولات نثر فارسی را تشدید کرده است؛ تحولاتی چنان پرسرعت که همزمان با حیات اجتماعی نثر فارسی، ساختارهای سنتی را همواره با بحران مواجه می‌کند.

همان‌گونه که در آغاز مقاله آورده شد، در این بررسی خلاصه، کوشش بر این بود که در بررسی تحولات نثر فارسی، صرفاً بر نثر ادبی تمرکز نشود؛ با این حال چنانکه می‌بینیم، در این جا نیز نثر ادبی همچنان در کانون توجه بوده است؛ احتمالاً به دو علت: یکی به علت تأثیرات نیرومند ادبیات در تحولات نثر ادبی در ایران معاصر و دیگر به علت تمرکز بیشتر پژوهشگران بر تأثیرات ادبیات معاصر بر نثر معاصر فارسی؛ امری که ضرورت تحقیقات بیشتر در زمینهٔ نثر فارسی در حیطه‌های غیرادبی را اثبات می‌کند. در این پژوهش کوشش شد، به منظور ارائهٔ تصویری کلی از تاریخ تحولات نثر فارسی در حدود یکصد سال آن را در قالب پنج دورهٔ کلی بررسی کنیم. کلی بودن این تصویر بدین معناست که در این پژوهش، بنا به ضرورت، بسیاری از جزئیات نادیده انگاشته شده و از بررسی بازمانده‌اند؛ برای

نمونه، نثر نویسندگان زن در دوران پس از انقلاب به‌تنهایی موضوع بررسی‌های دقیق و فراوانی می‌تواند باشد. سرانجام اینکه در پژوهش‌هایی که در علوم انسانی مبتنی بر دوره‌بندی هستند، تعیین تاریخ‌هایی قطعی همواره کاری دشوار یا ناممکن به نظر می‌رسد و در بهترین حالت باید اذعان کرد که این تاریخ‌ها و دوره‌بندی‌ها تقریبی هستند. سرانجام اینکه در تحولات مربوط به نثر معاصر فارسی، مانند هر پدیده‌ی دیگر، مجموعه‌ای از عوامل با تأثیرات متنوع نقش دارند.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۶۳). «نگاهی به دگردیسی زبان فارسی» در مسائل نثر فارسی؛ مجموعه سخنرانی‌های اولین سمینار نگارش فارسی، ۱۸-۱۵ آبان ۱۳۶۱. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. صص ۶۸-۵۷.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). *زبان باز: پژوهشی درباره زبان و مدرنیت*. تهران: مرکز ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۵). *زبان فارسی و سرگذشت آن*. تهران: هیرمند.
- امجد، حمید (۱۳۷۸). *تئاتر در ایران*. تهران: تیلا.
- بالایی، کریستوف (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قویمی و نسرين دخت خطاط. تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹). *سبک‌شناسی*. جلد سوم. تهران: کتاب‌های پرستو.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی برای تدریس در دانشکده و دوره دکتری ادبیات*. جلد سوم، چاپ دوم. تهران: زوار.
- پاینده، حسین (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران: داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی*. تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین (۱۳۸۹). *داستان کوتاه در ایران: داستان‌های مدرن*. تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین (۱۳۹۰). *گفتمان نقد: مقالاتی در نقد ادبی*. ویراست دوم. تهران: نیلوفر.
- پاینده، حسین (۱۳۹۶). «ادبیات داستانی ذهنیت‌مبنا». *سینما و ادبیات*. سال چهاردهم، شماره ۶۲. صص ۱۴۶-۱۴۴.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹). *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*. جلد دوم (بحران آزادی). تهران: .
- تلطف، کامران (۱۳۹۴). *سیاست نوشتار: پژوهشی در شعر و داستان معاصر*. ترجمه مهرک کمالی. تهران: نامک.
- جعفری، مسعود (۱۳۸۲). «نثر رمانتیک فارسی در عصر مشروطه». هنر. شماره ۵۸. صص ۱۷-۳۳.
- جعفری، مسعود (۱۳۸۶). *سیر رمانتیسیم در ایران: از مشروطه تا نیما*. تهران: مرکز جمالزاده، محمدعلی (۱۲۹۹). «فارسی شکر است». *روزنامه کاوه*. سال دوم، دوره جدید، شماره ۱. پنجم شهریورماه ۱۲۹۰ یزدگردی [۱۲۹۹ش]. ص ۸.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۲۰). *یکی بود و یکی نبود*. تهران: بنگاه پروین.

- دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۳۳). *تاریخ تحول نثر فارسی معاصر*. تبریز: چاپ فرهنگ.
- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۷). *ادوار نثر فارسی: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: سمت.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۴). نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰. تهران: آگاه.
- سپهران، کامران (۱۳۸۱). *رد پای تزلزل: رمان تاریخی ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰*. تهران: شیرازه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی نثر*. چاپ دوازدهم. تهران: میترا.
- صادقی، رضا (۱۳۷۲). «تجربه‌های زبان فارسی در علم» در *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*. زیر نظر علی کافی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. صص ۱۲۹-۷۲.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۳۸). *مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۸). «گفت‌وگو درباره روشنفکری دهه چهل». *بخارا*. ش ۷۱. صص ۲۶۰-۲۲۷.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۰). *تأملی درباره ایران*. جلد اول (دیپاچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران). تهران: نگاه معاصر.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۹۴). *سبک‌شناسی نثر پارسی*. تهران: سمت.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۶). *ابعاد سیاسی فرهنگ در ایران: انسان‌شناسی، سیاست و جامعه در قرن بیستم*. ترجمه وحید شوکتی آقمانی. تهران: سبزان.
- قانون‌پرور، محمدرضا (۱۳۹۳). *در آینه ایرانی*. ترجمه مهدی محمدزاده. تهران: نیسا.
- قبادی، حسینعلی (۱۳۸۳). *بنیادهای نثر معاصر فارسی*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کامشاد، حسن (۱۳۸۴). *پایه‌گذاران نثر جدید فارسی*. تهران: نشر نی.
- کرون، پاتریشیا (۱۳۹۵). *جامعه‌های ماقبل صنعتی: کالبدشکافی جهان پیشامدرن*. ترجمه مسعود جعفری، تهران: ماهی.
- کهن، گوئل (۱۳۶۰). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. جلد اول (از ۱۲۵۳ هـ. ق. تا صدور فرمان مشروطیت). تهران: آگاه.
- مرادی‌نژاد، حسین؛ پژوم شریعتی، پرویز (۱۳۵۲). نقش و اثر تحصیل‌کردگان خارج از کشور در جامعه ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- میرسپاسی، علی (۱۳۹۲). *تأملی در مدرنیته ایرانی*. چاپ دوم. تهران: ثالث.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۷). *صد سال داستان‌نویسی ایران*. جلد اول و دوم، چاپ پنجم. تهران: چشمه.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۲۶). «نثر فارسی در دورهٔ اخیر». نخستین کنگرهٔ کانون نویسندگان ایران. تهران: چاپخانهٔ رنگین. صص ۱۷۵-۱۲۸.

Yarshater, E. (1960). "Persian Letters in the Last Fifty Years." *Middle Eastern Affairs*. 9(22).

<https://doi.org/10.1111/j.1478-1913.1968.tb02720.x>



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Persian Prose and Contemporary Discourses: A Proposed Periodization for Contemporary Persian Prose Based on the Influences of Modernity

Abdolrasoul Shakeri¹

Abstract

The present paper investigates the history of the development of the Persian prose in the recent past one hundred years. The main purpose of this research is to provide a brief history of the contemporary Persian prose, based on the definition of periodization and influences of contemporary discourses since the beginning and up to the nineties (solar calendar). In the periodization presented here, the development of the contemporary Persian prose in relation to social structure and its crises has been considered. The paper shows that familiarity with modernity and related discourses have paved the way for major developments in Persian prose and that the connection between these developments and the socio-political structure of the Iranian society has led to the formation of different periods (five suggested periods) in the history of Persian prose. These periods are: The Constitutional Period, the first Pahlavi Period, the second Pahlavi Period, the Islamic Revolution Period and since seventies to the present.

Keywords: The History of the Contemporary Persian Prose, Periodization, Modernity, Contemporary Discourses

¹Assistant Professor in Persian Language & literature, The Institute for Research and Development in the Humanities, SAMT, Tehran, Iran shakerirasoul@gmail.com